



# پرهیز از حسادت

پندهای مسجدی

تدوین و نشر:

بنیاد مجازی آبادگران مساجد

[www.aabadgaran.ir](http://www.aabadgaran.ir)



حسادت، یکی از رذیلت‌های اخلاقی مخرب است که پیوندهای اجتماعی و انسانی را از هم فرو می‌پاشد. حسادت به معنای ناخشنودی از موفقیت‌های دیگران و آرزوی زوالِ نعمت‌ها و موفقیت‌های آنان را کردن است که ای بسا با تلاش برای نابودی آن نیز همراه باشد. تفاوت «حسادت» و «غبطه» در این است که «حسادت» یعنی میلِ باطنیِ ما به زوالِ نعمت از صاحبش؛ اما «غبطه» یعنی میلِ باطنیِ ما به داشتنِ نعمت کسی، بی‌آنکه طالبِ زوالِ آن از صاحبش باشیم. البته ممکن است از دلِ غبطه، حسادت نیز برآید. زیرا هر دوی این‌ها از جنس احساسات و هیجان هستند و مرزهای شفافی ندارند.

از جمله پیامدهای شوم حسادت می‌توان به «سوءظن»، «تجسس»، «عیب‌جویی»، «غیبت»، «غرور» و «سخن‌چینی» اشاره کرد که همه‌ی این‌ها در قرآن و سنت نبوی (ص) ممنوع و حرام اعلام شده‌اند. این بیماری اخلاقیِ باطنی، می‌تواند بر هر انسانی عارض شود؛ لذا تابعی از سن و سال یا جایگاه اجتماعی نمی‌باشد و ممکن است هرکسی را در بر بگیرد. رسول‌الله (ص) پیراوش را به صورت ویژه از حسادت برحذر داشته و فرموده: «إِيَّاكُمْ وَالْحَسَدَ فَإِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ» (رواه ابوداود)؛ یعنی: «از حسادت پرهیزید، زیرا حسادت نیکی‌ها را می‌بلعد، همانطور که آتش هیزم را می‌بلعد». همچنین فرموده: «لَا يَجْتَمِعَانِ فِي قَلْبِ عَبْدٍ الْإِيمَانُ وَالْحَسَدُ» (سنن نسائی)؛ یعنی: «در قلب یک بنده، ایمان و حسادت باهم جمع نمی‌شوند».

در سوره‌ی فلق، خداوند دستور می‌دهد که انسان از شرّ و بلا و اذیت و آزار همه‌ی آفریده‌های شرور، خویشتن را در پناه خدا دارد، که یکی از این اشرار، حسودانِ بدخواه است: «وَمَنْ شَرَّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ» (فلق: ۵)؛ یعنی: «او (بگو پناه می‌برم) از شرّ حسودِ بدخواه آنگاه که حسد می‌ورزد».

نخستین سرکشی و عصیان از خداوند توسط ابلیس اتفاق افتاد که علت آن، حسادت او به آدم بود؛ زیرا آدم را به دلیل ماهیتش شایسته‌ی جایگاهی که برایش سجده شود نمی‌دانست: «قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ» (اعراف: ۱۲)؛ یعنی: «(خداوند به ابلیس) گفت: چه چیز تو را بازداشت از این که سجده ببری، وقتی که من به تو دستور (تعظیم و تواضع برای آدم) داده‌ام؟ (ابلیس در پاسخ) گفت: من از او بهترم؛ چرا که مرا از آتش آفریده‌ای و او را از خاک». لذا کسانی که نژاد، زبان یا قومیت را مبنای شایستگی قرار می‌دهند، از همان استدلال و شیوه‌ی سرکشانه‌ی پیروی می‌کنند که ابلیس پرچم‌دار آن بوده است.

نخستین قتل تاریخ بشریت نیز منشأ و علتش حسادت بوده است. حسادت مخفی و نهان قایل نسبت به هابیل، ریشه در برتری طلبی و در معرض توجه قرار گرفتن داشت. قایل که خود را سزاوارتر و لایق تر می دانست، قربانی اش به جهت ضعف اخلاص و تقوایشگی در عمل پذیرفته نشد، لذا نسبت به هابیل دچار کینه و حسادت گردید و این حس مخرب را به شکل قتل برادر نشان داد: «إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتَقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ \* لَئِن بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ لَأَقْتُلَنَّكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ» (مائده: ۲۷-۲۸)؛ یعنی: «زمانی که هر کدام عملی را برای تقرب (به خدا) انجام دادند، پس از یکی (که هابیل نام داشت) پذیرفته شد، ولی از دیگری (که قایل نام داشت) پذیرفته نشد؛ (قایل به هابیل) گفت: بی گمان تو را خواهم کشت؛ (هابیل به او) گفت: (من گناهی ندارم) خداوند (کار را) تنها از تقوایشگان می پذیرد. اگر تو برای کشتن من دست دراز کنی، من دست به سوی تو دراز نمی کنم تا تو را بکشم؛ (چون) من از خدا (یعنی) پروردگار جهانیان می ترسم».

حسادت، محصول مقایسه نادرست است؛ مقایسه نادرست یعنی مقایسه داشته های خود با دیگران که این بسیار مخرب و مهلک است! انسان نباید هیچ گاه خودش و داشته هایش را با کسی مقایسه کند؛ چرا که همه ی انسان ها از شرایط برابری برخوردار نبوده و نیستند؛ بلکه شرایط همه متفاوت است. انسان باید خودش را با خودش مقایسه کند؛ امروزش با دیروز و امسالش را پارسال. اینگونه می تواند مسیر رشد خود را به صورت منطقی و درست، بررسی و ارزیابی نماید.